

در عصر کنونی و پیچیدگی‌های دنیای امروزی، حدوث اختلاف و نزاع ما بین افراد اجتناب ناپذیر است، صرف رجوع به مراجع قضایی قطعاً راه حل مسئله نیست؛ بلکه ازدیاد پرونده‌ها، اطاله رسیدگی و... ماحصل آن خواهد بود، مراجعه به شریعت اسلام و غور در آیات شریفه قرآن، احادیث و روایات و مطالعه در رویه و عرف جامعه انسانی از گذشته تا کنون، توصیه به صلح و سازش و فصل خصومت بر پایه این معیار انسانی و اخلاقی شده است. داوری و میانجیگری به عنوان روش‌های حل و فصل و رفع خصومت‌ها و اختلافات می‌تواند راهکار مناسبی برای این مسائل باشد، چه اینکه با فطرت انسانی قرین‌تر است و آثار و نتایج مؤثری در بهبود و ترمیم روابط دارد.

داوری یعنی حل و فصل اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی با رعایت شرایط، موانع و الزامات قانونی و قراردادی، داوری کهن‌ترین روش‌های حل و فصل اختلافات و دعاوی و از جمله ساز و کارهایی است که می‌تواند ضمن تحمیل هزینه کمتر به اصحاب دعوا و به ثمر رسیدن دعاوی در مدت زمان بسیار کوتاه‌تر، اثرات مثبت بر سرنوشت مراعات قضایی داشته باشد.

در روش میانجیگری طرفین اختلاف به انضمام طرف میانجی با برگزاری جلسات مشترک به بحث و تبادل نظر در زمینه یافتن راهکارهای موجود برای حل و فصل اختلاف اقدام می‌کند، هدف اساسی در میانجیگری تبادل نظر بین طرفین و دستیابی به تفاهمی جامع و مانع در زمینه نقطه نظرات هر دو طرف و شناسائی نقاط قوت و ضعف ادعاهای هر یک از طرفین است تا از این طریق سوء تفاهمات و سوء برداشت‌ها حذف گردیده و حرکت به سوی توافقات بعدی شکل گیرد.

مفهوم فقهی میانجیگری و داوری با توجه به تأکیدات اسلام در آیات و روایات، حل اختلاف از طریق گفتگو و مصالحه است، هر گروه و جامعه، عظمت و قدرت خود را در سایه تفاهم و همکاری اعضایش به دست می‌آورد. در صورت حل نشدن اختلاف‌ها و ادامه یافتن مشاجره‌ها، بذر دشمنی رفته‌رفته در دل‌ها ریشه می‌دواند و سبب از هم پاشیدگی گروه یا جامعه می‌شود. به دلیل پی‌آمدهای زیان بار فردی و اجتماعی که بر اثر سست شدن روابط انسان‌ها شکل می‌گیرند، در آموزه‌های دینی بر تلاش برای ایجاد الفت و آشتی تأکید شده است.

حل و فصل اختلافات مانند هر پدیده مرتبط با بشر، در مسیر پیشرفت‌های تخصصی مستمر و دائمی حرکت می‌کند و هر روز از ماهیت تقابلی آن کاسته شده و بر سرعت، انسجام و آسان‌تر شدن آن افزوده می‌شود. امری که در نظام قضائی کشور ما نیز نباید از مسیر چنین پیشرفتی عقب بماند که بالعکس باید مترصد و پذیرای شیوه‌های نوینی از این دست باشد و در جهت تأیید، ترویج و تکمیل آنها با هدف سرعت و تسهیل حل اختلاف بکوشد.

باید پذیرفت یکی از شیوه‌های نسبتاً نوین حقوقی در فصل خصومت، «میانجیگری - داوری» است. و لازمه حیات و تقویت این الگو، بدون شک بررسی نظام مسائل پیرامون این دو نهاد است. و یکی از این جهت‌ها، تبیین و بررسی چالش‌ها و مشکلات اطراف این گفتمان است. چالش‌هایی که شناخت و مطالعه و آسیب شناسی آنها، خواهد توانست نگاه ایجابی فعالان مؤثر نظام قضائی ایران را جلب نموده و در ادامه تفکر مبتنی بر آن را به جامعه نیز تسری دهد.

بنابراین در مقاله می‌شود ضمن معرفی اجمالی این دو نهاد و تحلیل جایگاه آنها در نظام قضائی ایران، برخی چالش‌های پیش رو مطرح و در انتها نتایج و پیشنهادات مرتبط با هدف توسعه این دو نهاد غیرقضائی ارائه گردد.

در نظام قضائی ما که ملهم از مبانی و احکام اسلام است، زمینه‌های وسیعی برای به کارگیری روش‌های داوری و میانجیگری به عنوان نهادهای غیرقضائی در حل مراعات وجود دارد. روش‌هایی که در نظام فقهی تحت عناوینی همچون حکمیت و شفاعت توصیه شده است و در نظام قضائی ایران جایگاه خود را دارا است.

در حال حاضر راهی جز حمایت از مراجع شبه قضائی و خصوصی و روش‌های مبتنی بر آن برای برون رفت از وضعیت متراکم پرونده‌های ارجاعی به دستگاه قضا وجود ندارد. روش‌هایی که فقه آن را تأیید و توصیه نموده و پیشینه تاریخی نظام قضائی نیز از آن بهره برده است.

علی‌رغم محاسن این دو نهاد، در اجرا چالش‌ها و موانعی نظیر ضعف قوانین و مقررات، مخالفت و مقاومت بازیگران اصلی و ... وجود دارد، که به مهجوریت آنها منجر گردیده است، موانعی که باید با نگاه متریقی به این دو نهاد و با تمسک به رهنمودهای شارع، روایات وارده و کلام فقها و همچنین اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای کشور آنها را مرتفع نمود.